

اینک بمتن فرمان می پردازیم :

[۱] «حکام و نواب و متصرفان و بیتکچیا [ن] <sup>۱۶</sup> و [–] <sup>۱۷</sup> [۲] اردبیل و

توابع و نواحی آن بدانند که همواره اعتقاد و تعلق خاطر در باره [۳] خاندان

و مریدان شیخ الاسلام اعظم ، سلطان المشایخ و المحققین قدوة السالکین [۴]

ناصر الملوك والسلاطين مرشد الخلائق اجمعين شيخ صدر الحق والملتين<sup>١٨</sup>  
[٥] ادم الله بركة الشريفه الى يوم الدين، درجه كمال دارد. در اين وقت بر حسب  
التماس خاطر مبارك شيخ الاسلام اعظم [٦] مشاراليه، اين حكم يرليغ<sup>١٩</sup>  
نفاذ يافت تا بهمه انواع در ترفيه خاطر مبارك او و مریدان او كوشند و رعايت  
جانب ايشان من كل الوجوه واجب دانند و متوجهات<sup>٢٠</sup> املاك و اوقاف زاويه  
متبركه ايشان بموجب مقررنامه ديوان [٧] بعضى بمسلمى<sup>٢١</sup> قديم مقرر  
است و بعضى كه متوجهات آن بنام ملازمان حواله رفته و<sup>٢٢</sup> حكم يرليغ<sup>١٩</sup>  
[٨] نفاذ يافته كه جماعت برات داران وجه<sup>٢٣</sup> خود بموجب برات ديوان با  
فرع از مریدان مشاراليه بستانند<sup>٢٤</sup> و بمواضع نروند [٩] و مظالمى<sup>٢٥</sup>.  
نماینند تا زحمت رعايا ايشان نباشد و همچنين فرموده شد كه حكام اردبيل  
مواضع ايشان را دخلاً و خرجاً [١٠] مقرر و مفروز دانسته برات اين تيول [-]  
نفرستند<sup>٢٦</sup> و يك دودكان قصابى و صباغى كه تا غايت در اين مواضع معهود بوده،

بیشتر [۱۰] متوجه آن ۲۷ داخل مال این مواضع شده برقرار دانسته ۲۸ و چنانکه در مقررنامه دیوان مشروط است بزیادت و نقصان [۱۱] متعرض آن - مواضع نشوند و حزار ۲۹ نفرستند و اگر انکساری واقع شود ایشان نیز بعلت تخف [-] ۳۰ [۱۲] و اگر خصومتی و یا قضیه عرفی واقع شود رجوع آن به - مریدان ایشان کنند و بعلت تخیل مداخلت نوزند و کلمه الحق ادام الله بر کتبه را [۱۳] در امر معروف و نهی منکر مطاوعت نموده طریق انقیاد مسلوک دارند و بدعت مناهی را که تا کنون در شهر اردبیل نبوده [۱۴] مرتفع دانند و مع کل واجب دانسته بعلت فواحش و خماره پیرامون نگردند ، امراء و آئینده و رونده بخانهها ، برایشان [۱۵] و مریدان ایشان نزول نکنند ، هیچ آفریده بهیچ نوع پیرامون غلات ایشان نگردد و چهارپای [۱۶] ایشان باولاغ ۳۱ نگیرد [-] ۳۲ و اتمامه فی [۱۷] تاریخ ۳۳ ذی القعدة سنه ثلاث [و] سبعین و سبعماته الهلالیه [۱۸] [-] ۳۴ احمد بدار السلطنه تبریز .